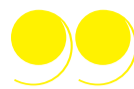


در مواجهه با مطالبه‌ها به جای پاسخی روشن، صرفاً شاهد دست کردن و پاس دادن و هر کاری جز تعیین تکلیفی معقول بر اساس بررسی و گفتگو و استدلال هستیم. در همین شرایط پرمشغله و اضطراری دیگرانی هستند که به مسأله‌ها پاسخ خود را ارائه می‌دهند.



## مسأله زنان روی میز ساختارها

بررسی اجمالی روند شکل‌گیری ساختارهای رسمی متولی امور زنان و خانواده

در اواخر دوران ریاست جمهوری ایشان یعنی در سال ۹۲ جایگاه مرکز به معاونت ارتقا یافت. به لحاظ ساختاری جایگاه معاونت زنان و خانواده ستادی است؛ یعنی مهم‌ترین وظیفه آن سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر امور زنان و خانواده در چهارچوب قوانین موجود و برنامه پنج ساله توسعه کشور است و به طور مستقیم نمی‌تواند به حوزه اجرا وارد شود. با توجه به آنچه گفته شد پس از انقلاب اسلامی مسأله زنان و خانواده در ساختارهای رسمی ایران جایگاه یافته است اما در عرصه اجرا اصولاً ساختارها و تشکیلات موجود ظرفیتی برای کار مستقیم در عرصه اجرایی ندارد. بنابراین بسیاری از مشکل‌ها و چالش‌های اساسی و

رفسنجانی شکل گرفت. زهرا شجاعی در مورد نحوه تشکیل دفتر امور زنان می‌گوید: «هاشمی رفسنجانی با گرفتن رأی استمزاجی حکم تأسیس دفتر امور زنان را در ریاست جمهوری داد زیرا نظر ایشان اینگونه بود که برای معاونت زود است و اگر این دفتر عملکرد موفقی داشت به معاونت ارتقا پیدا کند.» رأی استمزاجی نوعی از رأی در مجلس شورای اسلامی است که بیشتر مبنای عرفی دارد تا قانونی و مصوبه حاصل از این نوع رأی‌گیری هم در واقع لازم‌الاجرا نیست و با نظر رئیس مجلس می‌تواند یا اجرا شود یا نه. در هر صورت دفتر امور زنان ریاست جمهوری در این شکل در سال ۱۳۷۰ یعنی دو سال پس از آغاز دولت سازندگی با ریاست شهلا حبیبی آغاز

پدیده میرزا اسکندری

پژوهشگر



انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. نقش زنان ایرانی در این پیروزی به تصریح و تأکید بنیانگذار انقلاب حضرت امام خمینی(ره)، بسیار تعیین‌کننده و مؤثر بود تا جایی که ایشان این نقش را نقشی پیش‌تازانه تعریف کردند. مهم‌تر آن که نقطه نظر پایه‌گذار انقلاب اسلامی بر استمرار جدی این نقش برای سازندگی ایران اسلامی در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی،

یادداشت



سیاسی و اقتصادی بود. از همین رو شاهد بودیم که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی یعنی در سال ۱۳۵۸ امام خمینی روز میلاد حضرت زهرا(س) را «روز زن» نامیدند و به این ترتیب در واقع جهت و سوی حرکت زنان مسلمان ایرانی در جامعه شکل گرفته بر اساس انقلاب اسلامی هم در تعیین کردند. اما آیا بزرگان عرصه سیاست هم در این نقش مهم و جدی زنان در پیشرفت جامعه قائل بودند؟

پاسخ این سؤال را در نحوه شکل‌گیری تشکیلات زنان در ساختار رسمی حاکمیتی جمهوری اسلامی می‌توان پیدا کرد.

در سال ۱۳۶۷ شورای فرهنگی اجتماعی زنان به‌عنوان یکی از شوراهای اقماری شورای عالی انقلاب فرهنگی به ابتکار ریاست جمهوری وقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد. ایشان در همان سال‌ها در مورد مقصد و هدف تشکیل شورای فرهنگی اجتماعی زنان در مصاحبه با مجله زن‌روز اظهار کرده بودند که قرار بود این شورا با مشارکت و همت زنان نخبه‌ای که عضو این شورا هستند، به مهم‌ترین مسائل و مشکلات زنان به‌صورت جدی و کارساز بپردازد و البته در همان مصاحبه به طور ضمنی از عدم دستیابی این شورا به مقصد و مقصود مورد نظر گلایه داشتند. در شورای فرهنگی اجتماعی زنان نمایندگان زنی از ۲۶ دستگاه و نیز از قوه‌های مقننه و قضائیه حضور دارند و مصوبه‌های این شورا با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی لازم‌الاجراست.

اما نخستین دفتر امور زنان در دولت جمهوری اسلامی ایران ۱۳ سال بعد از پیروزی انقلاب یعنی در سال ۱۳۷۰ در دولت اول آقای هاشمی

به کار کرد. رئیس این مرکز مشاور رئیس جمهور در امور زنان محسوب می‌شد. در سال ۱۳۷۶ در دولت آقای خاتمی دفتر امور زنان به سطح مرکز ارتقا یافت و به این ترتیب رئیس مرکز می‌توانست در جلسه‌های هیأت دولت حضور پیدا کند. البته در این دوران نام مرکز هم به «مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری» تغییر یافت که ریاست آن با زهرا شجاعی بود. به طور مشخص در این دوران تمرکز فعالیت‌های مرکز مشارکت زنان بر ابعاد سیاسی-اجتماعی با تأکید بر کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه بود. در دولت آقای احمدی‌نژاد عنوان این مرکز به مرکز امور زنان و خانواده تغییر یافت و تمرکز و تأکید بیشتر بر حوزه خانواده صورت گرفت. اما

بنیادی در این حوزه به سبب نداشتن متولی مشخص در دستور کار هیچ دستگاه و سازمانی قرار نمی‌گیرد. اگر نبود نگاه متناسب با مقتضیات زنانه در عرصه زنان و خانواده را به سبب غیبت زنان صاحب نظر و اندیشه ورز در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز به کمبود بالا اضافه کنیم به راحتی به این نتیجه می‌رسیم که مسائل زنان در مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها غالباً به درستی دیده و تعریف نمی‌شود و بالطبع برای آن تدبیر و تمهیدی هم در کار نیست. این در حالی است که در نگاه رهبر معظم انقلاب مسائل زنان پاشنه آشیل نظام جمهوری اسلامی است که در صورت نادیده‌انگاری یا مواجهه نادرست با آن می‌تواند نظام را با مشکلات اساسی مواجه سازد.



پس از انقلاب اسلامی مسأله زنان و خانواده در ساختارهای رسمی ایران جایگاه یافته است اما در عرصه اجرا اصولاً ساختارها و تشکیلات موجود ظرفیتی برای کار مستقیم در عرصه اجرایی ندارد. بنابراین بسیاری از مشکل‌ها و چالش‌های اساسی و بنیادی در این حوزه به سبب نداشتن متولی مشخص در دستور کار هیچ دستگاه و سازمانی قرار نمی‌گیرد.



زنان مسلمان و انقلابی به طور معمول پیش از بحرانی شدن مسائل، آنها را در ادراک و حتی مباحثه می‌کنند اما در عرصه مسائل یا بیان آنها تردید دارند. آنها نمی‌خواهند به اضطراب در جامعه دامن بزنند اما نمی‌دانند تا کی می‌توان از مطالبات جنسیتی صرف نظر کرد و این شرایط استثنائی کی تمام می‌شود؟

## تفسیر پذیر بودن مفاهیم، بلای جان اسناد بالادستی

خوانش اجمالی پژوهشی در خصوص مسأله زنان و خانواده در اسناد توسعه

مهم است اما از طرفی نیازمند الگوی مشارکت طبق پشتوانه عرفی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران هستیم. این الگو باید با در نظر گرفتن اهمیت نهاد خانواده و بدون توجه به شاخص‌های توسعه غربی طراحی شود. محور استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان نیز از آسیب تفسیر پذیر بودن در امان نبوده و برداشت‌های متعدد از این مفهوم سبب شده است تا در مقام عمل قابلیت اجرای خوب و کارآمد را نداشته باشد.

طلاق را نیز از قلم انداخت. یکی از آسیب‌هایی که همیشه گریبانگیر اسناد بالادستی کشور است، نداشتن تعریف دقیقی از مفاهیم و تفسیرپذیر بودن برخی از مفاهیم است؛ به عنوان نمونه در اسناد توسعه، تعریف دقیقی از تحکیم نهاد خانواده ارائه نشده است یا وقتی از مشارکت زنان حرفی به میان می‌آید مشخص نیست که رویکرد و سیاست دولت‌ها نسبت به کم و کیف این مشارکت چیست. مشارکت زنان امری ضروری

اول از همه باید در نظر داشت که این سه گفتمان حتماً با یکدیگر هماهنگ باشند و سیاستگذاران نیز به اثرات هر یک از این گفتمان‌ها بر دیگری توجه داشته باشند؛ چیزی که در این اسناد از آن غفلت شده است. مسأله حائزاهمیت در محور حفظ قداست و تحکیم خانواده این است که بیشتر در اسناد به تسهیل ازدواج جوانان تأکید می‌شود اما نباید مواردی مثل برنامه‌ریزی برای تحکیم خانواده و پیشگیری از

و تأمین امنیت آنها و تسهیل امور حقوقی زنان به آن پرداخته شده است. معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۴ طی پژوهشی بررسی کرده است که در اسناد توسعه اول تا پنجم این سه محور اصلی کجای برنامه‌های توسعه قرار دارند و چه ایرادهایی بر آنچه که در اسناد نوشته شده، وارد است. در ادامه بخشی از نتایج این پژوهش بیان می‌شود.

فاطمه کاشفی

خبرنگار



پژوهش

گفتمان جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان و خانواده در سه محور اصلی قابل جمع است: «حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده»، «مشارکت اقتصادی - اجتماعی زنان» و «استیفای حقوق زنان» که عمدتاً حول دو محور رفع خشونت از زنان

